



خانه قدیمی خانواده شریف الحسینی، ۴۰ سال است مرکز آموزش و کار خیر مجله دانشجوست

وقف ماندگار برای علم و معرفت

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

نادر غلامی، در خانه قدیمی روی باره توس متولد شد و برای همیشه در مجله فردوسی زندگی کرد

خانه ما برج نگهبانی بود

۶



۳

مشکلات متعدد در بوستان محلی جاهدشهر آن را بدون استفاده کرده است
 پژمردگی «گل خورشید»

۷

زمین ورزشی بوستان ملت، میزبان اولین دوره مسابقات اسکیت پسران باشگاه‌های منطقه ۱۱ بود
 ۹۰ اسکیت سوار در میدان رقابت

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام رسان ایتا بفرستید

شما چه خبر

● بازی مادر و کودک، در پارک زیبای شهر

به ابتکار اعضای شورای اجتماعی محله زیبای شهر و با همکاری مدیریت بوستان مادر و کودک، مادران در کنار بچه ها سرگرم بازی و شادی شدند.

کارگاه، بازی مادر و کودک، با هدف ایجاد لحظاتی شاد و پویا برای کودکان و تقویت مهارت های جسمی و حرکتی و بهبود روابط مادر و فرزندی در سه روز پایانی هفته گذشته در بوستان مادر و کودک برپا شد. در این کارگاه، کودکان در کنار مادران خود با حضور در مجموعه ای از بازی های شاد، پرتحرک و هدفمند، ضمن تجربه لحظاتی سرشار از نشاط، مهارت هایی همچون هماهنگی حرکتی، تعادل، چابکی و مشارکت گروهی را تمرین کردند.



● بچه های آزاد شهر، در کلاس کوه

بهشتی اچهل نفر از پسران نونهال و نوجوان محله آزاد شهر، این روزها در کوه های اطراف شهر به یادگیری مشغول هستند. این اردو های زندگی محور هر هفته دو روز برپا می شود و اعضای باشگاه کوه نوردی مسجد امام حسن مجتبی (ع) محله آزاد شهر با همراهی بزرگ ترها در این برنامه، آموزه های مختلف زندگی را فرا می گیرند.

این دوره آموزشی تربیتی که از ابتدای شهریور آغاز شده است، تا پیش از بازگشایی مدارس ادامه دارد و طی این دوره ها، بچه ها علاوه بر ورزش و پیمایش کوه، مطالبی درباره نحوه مواجهه با دشمن، احترام به بزرگ تر، مسئولیت پذیری در خانه و جامعه، موضوعات دینی و خدمت به میهن با تحصیل و کار درست را می آموزند.

● هدیه خیران محله دانشجو به ۵ زوج جوان

اعضای مرکز نیکوکاری خیریه مسجد امیرالمؤمنین (ع) در هفته اخیر دست به دست هم دادند و دل پنج زوج را شاد کردند. به همت اعضای این مجموعه محله دانشجو، پنج سرویس جهیزیه تهیه شد تا به دست زوج های جوان نیازمند برسد. شناسایی این عروس ها و داماد ها که مشکلاتی برای آغاز زندگی مشترک داشتند، از ابتدای سال ۱۴۰۵ توسط معتمدان خیریه انجام گرفته بود. مبلغ مورد نیاز برای تأمین جهیزیه این افراد از سوی افراد خیر محلی، صندوق خیریه و مشارکت افراد مسجدی تأمین شد. سرویس های جهیزیه تهیه شده شامل گاز، میز و آینه، فرش، مواد خوراکی، سرویس خواب، ظروف و... است.

● کتاب خوانی در تجمعات شبانه سید رضی

به همت تعدادی از دختران نوجوان و علاقه مند به کتاب، تجمعات شبانه محله سید رضی با جلسات کتاب خوانی همراه شده است. گعده مطالعاتی ویژه دختران محله، در دو هفته گذشته در ابتدای وکیل آباد ۱۹ آغاز شده است و برخی شب ها تا پنجاه نفر مخاطب دارد. در دور اول برگزاری این دوره کتاب خوانی که روزهای یکشنبه و سه شنبه دایر است، کتاب طرح کلی اندیشه اسلام، اثر ماندگار رهبر شهید انقلاب اسلامی خوانش می شود.



شهر خبر

«مادر و کودک»، در مسیر هوشمند سازی

فاز نخست پروژه هوشمند سازی بوستان «مادر و کودک»، با هدف مدیریت منابع، تکمیل شد. بر اساس اقدامات انجام شده در فاز نخست، هوشمند سازی سامانه آبیاری، کنترل مخزن آب و موتورخانه و مصرف آب سرویس های بهداشتی، کنترل وضعیت سطوح های زباله و تنظیم دمای سالن ورزشی اجرایی شد.

رود پارک، میزبان مهمانان خارجی

گروهی از فعالان حوزه مدیریت شهری از کشورهای مختلف از مجموعه رود پارک بازدید کردند. در این بازدید، افرادی از تایلند، یمن، پاکستان، بنگلادش و آمریکا حاضر بودند و وضعیت مدیریت منابع آب و حفظ فضای سبز در شهرهای دارای اقلیم خشک و نیمه خشک، توسعه و نگهداری فضای سبز و چگونگی بهره برداری از این مجموعه را رصد کردند.

فکرهای نو با تجربه های کتاب خوانی

به همت مدیریت فرهنگ سرای ترفیک، پاتوق فکرهای نو و ویژه دختران منطقه ۱۱ راه اندازی شد. در این برنامه فرهنگی، نونهالان و نوجوانان در کتابخانه فرهنگ سرا حاضر می شوند و از تجربه های کتاب خوانی خود می گویند. برنامه فکرهای نو، صبح روزهای فرد با هدف انس بیشتر نسل جدید با کتاب و کتاب خوانی دایر است.



شهردار منطقه ۱۱، پروژه های آسفالت معابر این محدوده شهری را تشریح کرد

گام های مستمر برای یک دست شدن مسیرها

شهردار منطقه ۱۱ از اجرای پروژه های آسفالت در کوچه ها و خیابان های محلات این محدوده شهری خبر داد. این پروژه ها در پنج ماه اخیر به صورت مستمر اجرا شده اند تا زمینه تردد ایمن در مسیرهای صاف و یک دست را فراهم کنند.

علی زینت بخش در این باره گفت: عملیات بهسازی و آسفالت معابر منطقه ۱۱ از ابتدای سال ۱۴۰۵ در محدوده بولوارهای دانشجو، فرهنگ، معلم و دانش آموز تداوم داشته است و در این مدت بیش از ۲۶ هزار مترمربع از معابر منطقه نو سازی و تسطیح شده اند. او ادامه داد: از ابتدای شهریور سال جاری، بیش از ۳۳۰ تن آسفالت در این مسیرها استفاده شده است و بیش از چهارم معبر، با آسفالت یا لکه گیری، چهره نو به خود گرفته اند.

زینت بخش اضافه کرد: عملیات لکه گیری، مرمت و روکش آسفالت معابر منطقه برپایه نیازسنجی و اولویت بندی، در دستور کار قرار دارد و این روند با هدف رسیدگی به نقاط نیازمند و ارتقای کیفیت شبکه معابر منطقه ادامه خواهد یافت.

●● بچه‌ها سهمی از این پارک ندارند

همه امکانات این بوستان محدود به چند نیمکت فلزی است که در گوشه و کنار آن نصب شده است و به جز آن، امکانات دیگری وجود ندارد؛ این در حالی هست که شهروندان از مدت‌ها قبل درخواست نصب وسایل و امکانات تفریحی را برای این محل داشته‌اند. زهرا رحمانی، یکی از شهروندان، می‌گوید: خانم‌ها به ویژه آن‌هایی که بچه کوچک دارند، از همراهان همیشگی بوستان‌های محله هستند و بوستان‌هایی که وسایل بازی و تفریحی برای بچه‌ها دارد، در اولویت این انتخاب قرار دارند. متأسفانه بوستان گل خورشید به جز چند نیمکت هیچ گونه امکانات تفریحی و سرگرمی ندارد. ما چندین بار از سامانه ۱۳۷ درخواست نصب چند وسیله بازی برای بچه‌ها را داشتیم اما تاکنون اقدامی نشده است.

همسایه‌های این مجموعه که همراه ما هستند با نشان دادن شاخه‌های خشک درخت سپیدار چندساله، از آبیاری نامناسب در فصل تابستان گلایه مند هستند. مجید احمدی، یکی از همراهان، با نشان دادن شاخه‌های شکسته و بریده درخت دیگری می‌گوید: متأسفانه این شاخه‌های خشک شده را همان معتمدان کارتن خواب می‌شکنند و برای روشن کردن آتش استفاده می‌کنند. آب‌دهی نامنظم باکم‌آبی قطعاً دلیل خشک شدن سرشاخه‌های این درختان بوده و این خشکی حتی تا تنه درختان پیش رفته است.

●● امکان حضور نگهبان وجود ندارد

رئیس فضای سبز شهرداری منطقه ۱۲ گلایه شهروندان را درباره وضعیت نگهداری بوستان گل خورشید می‌پذیرد و در ادامه می‌گوید: متأسفانه در تابستان سال جاری به دلیل هوای گرم و تنش آبی شدید شاهد خشک شدن سرشاخه‌های برخی از درختان در پارک‌های مختلف سطح شهر بودیم و منحصر به این پارک نبوده است؛ طبق برنامه در ماه‌های پیش رو و سالان آینده برای احیای این درختان خواهیم کوشید.

علیرضا عسکری در ادامه درباره استقرار نگهبان شبانه‌روزی در بوستان می‌گوید: براساس قوانین مدیریت شهری، حضور نگهبان دائمی در بوستان‌های کمتر از یک هکتار تعریف نشده است؛ با این حال سعی خواهیم کرد حضور نیروهای باغبان را در این فضای سبز بیشتر کنیم تا امنیت مدنظر شهروندان تأمین شود.

او درباره نصب وسایل بازی کودکان هم توضیح می‌دهد: برای این اقدام ابتدائاً به مناسب سازی فضای موجود داریم. بنابراین برای سال آینده پیگیر این پروژه خواهیم بود تا ابتدا زمین مدنظر بهسازی شود. سپس درخواست نصب تجهیزات بازی و مبلمان پارکی ارائه خواهد شد.



●● به کام کارتن خواب‌ها

یکی از دلایل مهم خلوتی و استقبال نکردن اهالی محله جاهدشهر از بوستان گل خورشید نبود امنیت است. تردد افراد مشکوک و گاه بزهکار، حضور خانواده‌ها را در این بوستان کمتر کرده است.

رضاقلی زاده یکی از ساکنان معابر اطراف بوستان است که با اشاره به رفت‌وآمد کارتن خواب‌های می‌گوید: این افراد که به طور معمول کیسه زباله‌ای هم در پشت دارند، همیشه در گوشه و کنار بوستان مشغول تردد هستند، به ویژه در ساعات غروب و تاریکی شب، این محل را به مکان استراحت و پاتوق شبانه خود تبدیل می‌کنند. اراذل و اوباش از این دنجی و خلوت بودن استفاده می‌کنند و قرارهای خود را در این محل می‌گذارند. در چنین وضعیتی، کسی دیگر جرئت رفت‌وآمد به پارک را ندارد.

قلی زاده با اشاره به درخواست اهالی برای استقرار نگهبان در این بوستان توضیح می‌دهد: حضور نگهبان باعث دلگرمی شهروندان خواهد بود و با آمدن خانواده‌ها، به تدریج بوستان از این وضعیت سوت و کور خارج می‌شود.

مشکلات متعدد در بوستان محلی جاهدشهر
آن را بدون استفاده کرده است

پژمردگی «گل خورشید»

حسین برادران فرا حوالی عصر خودمان را به بوستان محلی گل خورشید واقع در انتهای خیابان جاهد ۱۵ می‌رسانیم. با اینکه این روزها هوا خنک تر شده و شهروندان از بوستان‌های محله استقبال کرده‌اند، این فضای سبز محلی خلوت است و مانند بسیاری از روزهای دیگر ماه و سال، بدون استفاده رها شده است. اهالی محله جاهدشهر با ما همراه شدند تا از دلیل خلوتی این بوستان بگویند.

هم قدم

۱۲

آبادی عمرانی، دغدغه شهروندی

حسین برادران فرا هم‌زمان با نیمه شهریور، فرصتی دیگر مهیا شد تا مدیران شهری در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ به مطالبات شهروندی پاسخ دهند. در این برنامه ماهیانه، مهدی خداشناس، شهردار منطقه ۱۲، صحبت‌های مردمی را شنید و برای رفع و رجوع کمبودها راهکارهایی ارائه کرد.

۱۳۷

۱۲

شهرآرامحله پیگیری می‌کند

- شهرآرامحله در هفته‌های پیش‌رو درخواست آسفالت معابر سجادیه ۴۲ تا ۴۸، ساخت و ساز غیرمجاز در عصمتیه را پیگیری می‌کند.

حوزه عمرانی

مانند برنامه‌های قبلی، بیشترین درخواست‌ها با ۶ تماس در حوزه عمرانی بود. رسیدگی به وضعیت پیاده‌روهای اقدسیه ۳، مرمت مسیر خاکی علویه ۱۵ و نصب سرعت‌گیر در مسیر خیابان شاهنامه ۳۱ مقابل حاجی‌آباد از مهم‌ترین درخواست‌های عمرانی بود.

حوزه شهرسازی

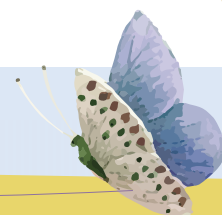
ساخت و ساز غیرمجاز در شاهنامه ۳۱ و رسیدگی به وضعیت منزل نیمه‌ساز در عصمتیه ۹ دو مشکل مطرح‌شده توسط شهروندان در حوزه شهرسازی بود.

تعداد پیام‌های مردمی

۱۳ تماس

حوزه فضای سبز

در این روزهای گرم تابستان، حفظ فضای سبز و بوستان‌های سطح منطقه به یکی از دغدغه‌های شهروندان تبدیل شده است. چهار تماس در این حوزه ثبت شد. رسیدگی به وضعیت کم‌آبی و زرد شدن گیاهان در بوستان‌های گل خورشید و آرامش و بوستان محلی واقع در محمدیه ۱۰ و برخورد با کسانی که به قطع خودسرانه شاخه درختان در بولوار شاهنامه پرداخته‌اند، درخواست‌های این حوزه بود.



خانه قدیمی خانواده شریف‌الحسینی، ۴۰ سال است مرکز آموزش و کار خیر محله دانشجوست

وقف ماندگار برای علم و معرفت

ایجاد مرکزی براساس
روایات‌های مهین خانم



اوایل دهه ۶۰ بود که فضای خانه‌ای در محله صدف با گام‌های مصمم و استوار مهین شریف‌الحسینی، رنگ و بویی دیگر گرفت. او که همراه خانواده از محدوده جنت راهی این محله شده بود، تصمیم گرفت دل‌تنگی‌هایش را با صفای چهارشنبه‌های امام‌رضایی گره بزند. جلسات دعا و توسلی که ابتدا ساده و صمیمی آغاز شده بود، کم‌کم بانفس گرم سخنران‌ها و گره‌گشایی از مشکلات خانواده‌ها به پناهگاهی پر مخاطب بدل شد. مهین خانم با مرور آن روزها نقل می‌کند: در همان روزهای پرمشغله مادری، عزمم را جزم کرده بودم تا چراغ علم و آموختن را نیز روشن نگه دارم. راهی مکتب نرجس شدم و پس از پایان سطح دو در مدرسه علمیه، رؤیایی بزرگ‌تر در سر پروزاندم: راه‌اندازی حوزه‌ای کوچک برای بانوان در دل خانه شخصی‌ام. آقا محسن، همسرش که همراه همیشگی و پایه شراکت در کارهای خیر او بود، اینجا هم با او راهی قم شد تا مجوز این حرکت پربرکت را از آیت‌الله... جوادی آملی بگیرند. این گونه بود که عشق به اهل بیت (ع) و علم به خانه‌شان گره خورد و بعد از نقل مکان خانواده، آن خانه بزرگ، وقف تربیت مادرانی مؤمن و متعهد شد. آجر به آجر آن خانه برای اهل خانه مهین خانم با خاطرات شیرین گره خورده است، از روزهایی که حیاط بزرگ خانه با منبر گرم اساتید، چنان پرمی‌شد که جای سوزن انداختن نبود، تا خیریه‌ای پنهانی و محلی که حالا به یکی از مراکز خیریه رسمی و فعال شهر تبدیل شده است. مهدالقرآن این مجموعه نیز که او اسط دهه ۶۰ به پیشنهاد مادران طلبه متولد شد، امروز با عنوان مهدالرضاطبقه‌ای مجزا را به خود اختصاص داده و با آمدن ماه مهر، فریادشادی و هیاهوی کودکان طبقات پایینی این خانه را پرمی‌کند.

فاطمه سیرجانی در ابتدای کوچه صدف ۱۷، ساختمانی سبکی با سردر منقش به نام مبارک حضرت زهرا (س) دیده می‌شود که سال‌هاست فراتر از یک فضای مسکونی، نبض معنوی و اجتماعی محله را در دست گرفته است. اینجا بیت‌الزهراست؛ خانه‌ای که روزگاری با عطر چهارشنبه‌های امام‌رضایی (ع) و صدای آرام‌بخش قرآن و محافل تفسیریات وحی، مأمنی برای بانوان پیرو جوان شده بود و امروز به مرکز خیرخواهی تبدیل شده است.

اگر روزگاری کودکان محله دانشجو در حیاط درآندشت و پردرخت این خانه، کنار استخر پرآبش کودکی کردند، امروز همان کودکان در قامت پزشکی متعهد، استادان حوزه و دانشگاه و معلمان دلسوز، بار مسئولیت جامعه و آینده سازان فردای این سرزمین را بر دوش می‌کشند.

بیت‌الزهرای خیابان صدف در چهارده فعالیت مستمر ثابت کرد که آموزش و تربیت نسل فردا، محدود به کلاس‌های مدرسه نیست؛ بلکه می‌تواند در بستر زندگی و با حضور استادان کاربلد حوزه شکل گیرد.

مهین شریف‌الحسینی که سکان دار و پایه‌گذار این جریان فرهنگی است، با افتخار از فارغ‌التحصیلانی می‌گوید که مسیر موفقیت را از همین حیاط کوچک و کتابخانه محلی آغاز کردند و تا مدارج عالی دکترا و استادی دانشگاه پیش رفتند.

اما این تنها نیمی از داستان پرمهر این خانه است. در کنج این حیاط، جریانی از خیرخواهی جوشیده که امروز به یک خیریه رسمی و تأثیرگذار بدل شده است. کمک‌های پنهانی که روزگاری، دلی را در همسایگی گرم می‌کرد، حالا به چنان شکوفایی رسیده است که سال گذشته عنوان «بهترین عملکرد» را در میان خیریه‌های مردمی شهر از آن خود کرده است.

خانه ماهی‌های رنگی پرند



«خاطره پررنگ کودکی ما، چهارشنبه‌های می‌گوید: یکی از سه دختر مهین خانم که معا او تعریف می‌کند: همه چیز از خانه‌ای پانصد آبی در میانه‌اش. خانه‌ای که چهارشنبه‌ها و نزدیک چنان شلوغ می‌شد که پدرم مجبور راترک کند و من و مادر و دو خواهرم در این فضا برای حضور میهمانان فراهم شود. اما نقطه عطف این روایت، دیدن رؤیایی در پرشده از ماهی‌های کوچک رنگی که پرواز پرواز آن ماهی‌ها را به حضور فرشتگان به او همین تعبیر کافی بود تا دل اهل خانه از تعلل راوقف صاحب نامش، حضرت زهرا (س) کنند. فردای اسباب‌کشی در سال ۶۲ به محله فرهنگی آموزشی تغییر کاربری داد. تقاضا حوزوی و استفاده از کتابخانه آن قدر زیاد بود که خود مهندسی عمران خوانده است و از خودش عهده‌دار شد، از شش سال پرمجرا راه ساخت و ساز در جریان بود، اما شور کلاس استیجاری مسجد عمار محله دانش‌آموز حالا آن خانه پانصد متری با حیاط مصفاوس است؛ بنایی استوار که سال‌هاست آرزوی قله الهه از وقف داروندار پدر و مادرش در این احداث این خانه شد: «پدرم، بازاری است فعالیت خانه‌ای که به نام حضرت زهرا (س) کردند. شاید همین نیت خالصانه یکی از خدمتگزاران این خانه بدون هیچ چشمه این خانه قدم برمی‌دارند.



طبقه چهارم، پناه مهربانی

طبقه چهارم بیت الزهرا^(س)، به نام «خیر وبرکت» سند خورده است. اینجا پناهگاه کسانی است که در وانقشای روزگار، دنبال دستی برای گشودن گره هایشان می گردند.

راضیه میکائیل زاده، از مددکاران قدیمی این مرکز، روایتگر بیست سال خدمت در این طبقه است. او که روزگاری معاون پرورشی مدارس بوده است، در میان کلاس های درس این مجموعه، وقتی داشت تحصیلات حوزوی نیمه تمامش را تکمیل می کرد، دلش درگیر کارهای خیر اینجاشد. او از روزهایی می گوید که مدیریت مجموعه، چشمش را بر درد های پنهان شهر نمی بست. از کودکانی می گوید که در آغوش پدر و مادری گرفتار اعتیاد، در فقر مطلق غرق بودند و آینده شان در هاله ای از دود و سیاهی گم شده بود، اما پیگیری های قانونی بیت الزهرا^(س)، مسیر زندگی آن ها را تغییر داد. میکائیل زاده، داستان های تلخ و شیرین بسیار را در این خانه به چشم دیده و آن ها را در دفترچه خاطراتش ثبت کرده است. او تعریف می کند: شانزده سال پیش، دختر بچه ای پنج شش ساله که پدر هشتاد ساله و مادر هجده ساله اش تصمیم به فروشش داشتند، با پیگیری های بی وقفه خانم شریف الحسینی، به آغوش مادری سپرده شد که در حادثه ای همسر و فرزندانش را از دست داده بود. امروز آن دختر در بهترین مدارس درس می خواند و بی تردید آینده ای روشن پیش رو دارد.

این مجموعه حالا دیگر ساختار مند شده است. از توزیع بسته های معیشتی و قربانی های ماهیانه گرفته تا تأمین نوشت افزار، لباس و کفش برای دانش آموزان خانواده های نیازمند در آستانه ماه مهر و مهیا کردن شیرینی و میوه برای عید نوروز، کمک هایی که با نظارت بهزیستی و استانداری هدمند تر شده است.

به گفته جزایری امروز چهار مددکار، با دقت و وسواس، مسئولیت راستی آزمایی و تحقیق درباره پرونده های مددجویان را بر عهده دارند و بیش از چهار صد خانواده از گوشه و کنار مشهد و حتی شهرستان های اطراف، چشم به یاری دارند.

«دختران یاس»: جایی که رؤیاهای نوجوانانه شکوفامی شود

در طبقه سوم مجموعه فرهنگی بیت الزهرا^(س)، شور و هیجان در بالاترین سطح خود قرار دارد. فضایی آموزشی سرگرمی تحت عنوان «دختران یاس» که برای دختران هفت تا هفده ساله تدارک دیده شده است. اینجا تنها یک بخش آموزشی سرگرمی نیست، بلکه جایی است که در آن هنر، دانش و اخلاق در هم می آمیزد.

لعبه رضایی که مدیریت این بخش از مجموعه آموزشی بیت الزهرا^(س) را بر عهده دارد، می گوید: در مجموعه دختران یاس از کلاس های فن بیان گرفته تا آموزش های هنری، روان شناسی و نشست های اخلاقی، همگی در راستای یک هدف طراحی شده اند: ساختن شخصیتی پویا و آگاه در مادران فردا. او که ۲۲ سال قبل وقتی فرزندش را به مهد قرآن آورده بود با این مرکز آموزشی آشنا شد، ابتداء برای گذران وقت تا اتمام کلاس فرزندش، پای درس اساتید تفسیر نهج البلاغه، اخلاق و احکام می نشست؛ بعد به طور رسمی دانشجوی این مرکز شد. او بعد اتمام تحصیلات نتوانست دل از این خانه بکند و ماند تا او هم چون بقیه، بی هیچ چشمداشتی خدمتی در این خانه کرده باشد.

رضایی از همایش های صمیمی «مادر و دختر»، که بخشی از برنامه های ویژه دختران یاس است، می گوید که ماهی یک بار برگزار می شود و بسیار از آن استقبال می شود.

اما این مسیر پرشکوه، مدیون ریشه های عمیقی است که با عشق کاشته شد. مدیر بخش دختران یاس با یادآوری نام مرحوم مهری صفرزاده، از بنیان گذاران بخش تربیتی این خانه، می گوید: خانم صفرزاده که خود از شاگردان ماندگار این مجموعه بود، پانزده سال قبل با روحیه ای مادرانه و دلسوزانه، وقت خود را وقف تربیت دینی و اخلاقی نوجوانان کرد. میراث او تنها کلاس های آموزشی نیست، بلکه استادان و معلمان است که امروز در بهترین مدارس شهر و خود مجموعه بیت الزهرا^(س) خدمت می کنند. اگرچه سرطان، او را چند ماه پیش از ما گرفت، روح مهربانش در تار و پود این کلاس ها جاری است.

به گفته رضایی، استقبال پر شور دختران به ویژه در فصل تابستان گواهی بر روشنی این مسیر است؛ خانواده ای بزرگ که اکنون بیش از هفتصد عضو در فضای مجازی آن راهمراهی می کنند تا در کنار هم، مسیر رشد را طی کنند.



مسیری که از یک جست و جوی مادرانه تا طلبگی گره خورد

سکوت سنگینی طبقه سوم بیت الزهرا^(س) را فرا گرفته است؛ همان جایی که در هیاهوی تابستان، گویی زمان در کلاس های درس و بحث طلبه ها متوقف شده است. فاطمه آسیایی، مسئول آموزش این مجموعه، از مسیری می گوید که بیست سال پیش، نه با یک تصمیم بزرگ، که با یک جست و جوی ساده مادرانه آغاز شد.

او که آن روز به دنبال مهدکودکی برای فرزند سه ساله اش بود، هرگز تصور نمی کرد این خانه قرار است تقدیرش را دگرگون کند. آسیایی که به تازگی در رشته روان شناسی در دانشگاه آزاد ثبت نام کرده بود، چنان مجذوب فضای معنوی و محیط امن و زنانه این مجموعه شده بود که از خیر ادامه تحصیل در رشته مورد علاقه اش، روان شناسی گذشت و مسیر زندگی اش را به سمت طلبگی تغییر داد.

امروز او در مقام مسئول آموزش بیت الزهرا^(س) از پذیرش سالانه شصت طلبه داوطلبی می گوید که بی دغدغه آزمون های دشوار، پایه این حریم می گذارند تا در پناه نام حضرت زهرا^(س) مسیر رشد و تعالی را طی کنند. آسیایی که پس از فارغ التحصیلی، به درخواست مدیریت مجموعه در بخش اداری مشغول به کار شد، اینجا را نه یک محل کار، که موهبت الهی و برکتی می داند که زندگی اش را راسخ کرده است. او از فضای صمیمانه ای که در طبقه سوم و این بخش از فضای آموزشی برقرار است، می گوید و ادامه می دهد: صبح راضیه های ما با ورزش صبحگاهی و حرکات اصلاحی شروع می کنند و بعد به سر کلاس درس می روند. وجود کافی شاپ در همین طبقه و کتابخانه دوم از ظرفیت های خوب برای دوره می های علمی دانشجویان به شمار می رود.

ضیافت نور و کلمه در پناه «بیت الزهرا»^(س)

در طبقه دوم، معماری بنا با پنجره های دل باز و اتاق های پر نور، حس رهایی و آرامش را به آدمی القامی کند؛ جایی که کتاب هادر قفسه ها با نظم خاص و تماشایی، راوی بیش از سی سال تلاش و عشق اند. راضیه جزایری که گویی حافظه زنده این مجموعه است، با بخند می گوید که بیست سال خدمت را در خود دارد. از روزهایی می گوید که کتابخانه فعلی تنها چند جلد کتاب اهدایی در یک بوفه کوچک بود. حالا اما آن بوفه به گنجینه ای با بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب تبدیل شده است؛ از زمان های پرکشش تا متون تاریخی و سیاسی که چشم هر جست و جوگری را خیره می کند. اینجا با توفیق آرام دختران دانشجوی و طلبه است؛ پناهگاهی دنج برای فرار از هیاهو و غرق شدن در سکوت مطالعه.

اما آنچه این کتابخانه را متمایز می کند، تنها کتاب هایش نیست؛ بلکه فرهنگ بخشنده است. خادمان اینجا، سالی دوبار قفسه ها را زیر و روی می کنند و نسخه های تکراری و مازاد را به کتابخانه های مساجد و مناطق حاشیه شهر هدیه می دهند تا نور دانایی، تنها در این راهرو محبوس نماند و در دورترین نقاط شهر نیز بتابد.

جزایری در حالی که جعبه کتاب های اهدایی را جابه جایی می کند، از استقبال دختران جوان و دانشجویان برای استفاده از سالن مطالعه کتابخانه می گوید: مراجعانی که سال هاست از قاسم آباد و مهدی آباد و امام هادی^(ع) به این کتابخانه می آیند. او یکی از دلایل مهم این حضور را محیط امن و اختصاصی برای بانوان می داند.



مام رضایی این خانه بود. «این را الهه رضایی و من و همراه همیشگی مادر در این خانه است. مدت متری شروع شد، با حیاطی وسیع و استخر از حضور همسایه ها و هم محله ای های دور برود چند ساعت زود تر از شروع مراسم، خانه صله، حیاط را فرش می کردیم تا فضای کافی

ساده بود. مادر در خواب دیده بود که خانه می کنند. مادر بزرگ که خود مادر شهید است، سطره چهارشنبه های امام رضایی تعبیر کرد. فاقات دنیوی کننده شود و تصمیم بگیرند آنجا

لسطین، آن خانه مسکونی به یک پایگاه برای ثبت نام در مهد الرضا^(ع)، کلاس های بود که بنای قدیمی دیگر پاسخگو نبود. الهه یک جایی نظارت بر احداث بنای جدید را می گوید؛ شش سالی که با همه فراز و نشیب ها نه تنها تعطیل نشد، بلکه در ساختمان پرشور تر از قبل ادامه یافت.

رسبز به ساختمان هشت طبقه تبدیل شده بی بانیانش را محقق کرده است.

راه می گوید و تمام دارایی خانواده که وقف ت. او و مادر از وقتی تصمیم به گسترش گرفته اند، دار و ندارشان را وقف این خانه لایلی است که استادان و مربیان و خادمان دداشتی به نیت شاد کردن دل صاحب نام



نادر غلامی، در خانه قدیمی روی باره توس متولد شد و برای همیشه در محله فردوسی زندگی کرد

خانه ما برج نگهبانی بود



ایستگاه اول

حسین برادران فرا تمام هفت دهه عمرش را در انتهای بولوار شاهنامه سپری کرده، جایی که به محله فردوسی معروف است. نادر غلامی در روزگاری در این محدوده از شهر ساکن شد که به گفته خودش کمتر شباهتی به چهره امروزی داشته است. او همپای محله آبا و اجدادی اش در این سال‌ها رشد کرده است و می‌گوید روزهای کودکی در این محدوده شهری، بهترین دوران زندگی اش بوده و خاطرات آن در ذهنش ثبت شده است.



اولین خانه پدری من، هفتاد سال قبل روی دیوار توس ساخته شده بود. روی باره چند برج نگهبانی قرار داشت. یکی از سرگرمی‌های بچگی ما این بود که روی این باره حرکت می‌کردیم و از یک خانه به خانه دیگر می‌رفتیم.

ایستگاه دوم

دوران بچگی شنیده بودیم در خرابه‌های کهن دژ اشیای عتیقه پیدای می‌شود. با بچه‌ها می‌رفتیم و خرابه را بالا و پایین می‌کردیم. خیلی وقت‌ها تکه‌های سفال یا شیشه‌های رنگی پیدا می‌کردیم. یک بار هم سکه‌ای پیدا کردم که روی آن کلمه «محمد رسول الله» نوشته شده بود. تا مدت‌ها این سکه را نگه داشته بودم اما آخر گمش کردم.



ایستگاه سوم

سال‌ها قبل که امکانات حمل و نقل کم بود، ساکنان شهر توس، گردشگرانی را که ناچار به ماندن در این محدوده می‌شدند، به خانه خود می‌بردند. پدرم بارها جها نگردان ایرانی و خارجی در راه مانده را به خانه آورد و آن‌ها پذیرایی می‌کردیم. این کار در کودکی برایم جذاب بود و مراوده با مردم کشورهای دیگر از مزایای توس بود.



ایستگاه چهارم



ایستگاه پنجم

در دوران کودکی ام در خیابان شهدای فعلی، یک عطاری بود که حلوا جوی یکی از شیرینی‌های خوشمزه اش بود. من که در نانوایی دایی ام کار می‌کردم، با گرفتن دستمزد به این مغازه می‌رفتم تا حلوا جوی بخرم.

ایستگاه ششم



از گذشته یک یادگاری ارزشمند دارم. این کفش را در نوجوانی از فروشگاه کفش وین خریدم. به قدری این کفش‌ها را دوست داشتم که از آن استفاده نکردم و تا امروز نگهداشته‌ام. یک بار مسئول فروشگاه وین که با من در تماس بود و از من خواست که برای موزه، کفش را به آن‌ها بفروشم اما راضی نشدم.

من دانش آموز مدرسه شهدات بودم. یک روز ناظم مدرسه به خاطر کار نکرده و شلوغی دیگر بچه‌ها سیلی محکمی به من زد. پدر و چند نفر از اقوام که موضوع را شنیده بودند، به مدرسه آمدند ولی ناظم نبود. جروب‌بحث شد و چند روز بعد از این ماجرا پدرم همه معلم‌ها را به خانه مان دعوت کرد تا رفع کدورت شود. از آن روز جایگاه من در مدرسه عوض شد.



عکس: حسین برادران فر/شهرآرامش

زمین ورزشی بوستان ملت، میزبان اولین دوره مسابقات اسکیت پسران باشگاه‌های منطقه ۱۱ بود

۹۰ اسکیت سوار در میدان رقابت

عیدگاه

اولین بار در یک رقابت رسمی شرکت می‌کنم. هیجان این مسابقه با همه دفعاتی که برای تفریح یا یادگیری اسکیت سواری کرده‌ام فرق می‌کند. مسابقه امروز باعث شده است انگیزه پیدا کنم و داوطلب حضور در رقابت‌های حرفه‌ای دیگری هم باشم.

کیان قصابی، دیگر شرکت‌کننده که نفر سوم رده سنی دوازده سال است، می‌گوید: امروز برای من تجربه خوبی بود. با اینکه سه سال است تمرین و اسکیت سواری می‌کنم، امروز از بچه‌های دیگر نکاتی را یاد گرفتم که برای سرعت گرفتن بیشتر در زمان مسابقه به کارم می‌آید و دوره بعدی با همین تجربیات در رقابت شرکت می‌کنم.

● جایگزینی برای آپارتمان نشینی بچه‌ها

در کنار اجرای رقابت پرانرژی اسکیت سوارها، تماشاگران هم که بیشتر آن‌ها والدین هستند با صدای بلند فرزندانشان خود را تشویق می‌کنند. منصور حسینی که به تشویق پسرش، نیما آمده است، می‌گوید: پسر من برای این مسابقه بسیار ذوق داشت. امروز هم رقابت خوبی را برگزار کرده است. به نظرم چنین برنامه‌هایی برای اینکه بچه‌ها از فضای بازی‌های کامپیوتری و زندگی آپارتمانی فاصله بگیرند، جایگزین‌های مناسبی هستند.

فرزاد امرایی هم که برای تشویق برادرش در زمین اسکیت پارک ملت حاضر است، رقابت‌ها را جذاب و پرنرژی توصیف می‌کند و می‌گوید: من برای اولین بار به تماشای مسابقات اسکیت آمده‌ام. امروز که این فضا را می‌بینم به نظرم می‌آید که شهر ما چه اندازه دوستدار اسکیت دارد و بچه‌ها در این رشته چقدر مستعد هستند.

۱۴۰۰ هستند. در سه سطح فنی A.B و C با هم رقابت کردند و در پایان به نفرات اول هر بخش جوایزی اهدا شد. او اضافه می‌کند: منطقه ۱۱ زیرساخت لازم برای حمایت از این رشته را دارد؛ بنابراین تلاش خواهیم کرد تا علاقه‌مندان به اسکیت در منطقه ما شرایط مطلوبی را سپری کنند.

● از رقابت تا یادگیری

پسران اسکیت سوار منطقه ۱۱ در روز مسابقه با تجهیزات کامل این رشته در رقابت حاضر شده‌اند و استفاده از وسایل ایمنی، شرط حضور در رقابت است؛ زیرا رقابت در بخش سرعت برگزار می‌شود و زمین هم آسفالت است و امکان بروز حادثه وجود دارد.

با آراین رحیمی در پایان رقابت رده سنی یازده سال هم صحبت می‌شویم. او که توانسته نفر اول این بخش شود، می‌گوید: من برای

بهشتی دیدن نشان انرژی مثبت را در صبح یک روز جمعه به مخاطب منتقل می‌کند. از لباس‌های رنگ شادشان تا اسکیت‌هایی با طرح‌های متنوع. هر کدام هم با حرکت‌های مختلف وارد زمین اسکیت پارک ملت می‌شوند تا روحیه خوب خود را نشان دهند. در این مجموعه اولین دوره رقابت اسکیت پسران منطقه ۱۱ برگزار می‌شود.

این مسابقات قرار است آغازی باشد بر میزبانی از رقابت‌های مشابه بعدی تا زمینه پیوندنسل جدید با این ورزش پرهیجان مهیا شود و از طرفی بچه‌ها هم استعداد خود را در این مسابقات نشان دهند.

● زیرساخت‌های منطقه ۱۱، مهیای اسکیت

مسابقات اسکیت پسران منطقه ۱۱ برای اولین بار برگزار شده و زمین اسکیت بوستان ملت میزبان بیش از نود ورزشکار این رشته است. برگزاری این رقابت با سطح هیجان بالا همراه با حضور تماشاگران پرانرژی نشان می‌دهد برپایی این مسابقات می‌تواند موجب ایجاد رقابتی سالم بین نسل جدید باشد. کارشناس تربیت بدنی شهرداری منطقه ۱۱ با اشاره به سطح رقابت‌ها می‌گوید: استقبال بسیار خوبی شده است و می‌بینیم که علاوه بر ورزشکاران، تماشاگران هم برای همراهی آن‌ها آمده‌اند و این موضوع نشان از اهمیت این ورزش در بین نسل جدید دارد.

دانیال مرزوقیان ادامه می‌دهد: ما رقابت امسال را در دو جمعه پیاپی برنامه ریزی کردیم و ورزشکاران در ۱۰ رده سنی که متولدان ۱۳۹۱ تا



البرز کریمی، با شروع فوتبال از کوچه‌های امیریه به لیگ نوجوانان کشور رسیده است

واقعیت بخشیدن به آرزوی بچگی



● خودت مشوق کسی برای جذب به ورزش فوتبال بودی؟

چند ماهی هست که به عنوان مربی با بچه‌های محله مان تمرین می‌کنم و سبک درست فوتبال را به آن‌ها آموزش می‌دهم. چند نفر از این بچه‌ها تمایل پیدا کردند که فوتبال حرفه‌ای را ادامه بدهند.

● بهترین خاطره فوتبالی ات چیست؟

در پانزده سالگی در مسابقه‌ای برای حضور در تیم لیگ برتری ذوب آهن مشهد شرکت کردم. مربی تیم گفت اگر یک گل بزنی، قبولت می‌کنم و من در همان روز سه گل زدم و لباس این تیم را پوشیدم.

● جز فوتبال ورزش دیگری را دنبال می‌کنی؟

از یک سال قبل ورزش دوومیدانی را در سطح مدارس منطقه شروع و در دو استقامت و دو صد متر چند مقام برتر را کسب کردم. دوومیدانی ورزش مکمل فوتبال است و در بالا بردن توانایی‌های فوتبالیست‌ها خیلی مؤثر است.

● بین فوتبالیست‌های معروف بازی کدامشان را بیشتر دوست داری؟

از فوتبالیست‌های داخلی بازی مهدی طارمی را دوست دارم و بین خارجی‌ها بازی لیونل مسی من را به وجد می‌آورد و خیلی وقت‌ها کارهای تکنیکی او را تمرین می‌کنم.

● فکرمی‌کنی چقدر بتوانی در فوتبال شبیه مسی باشی؟

هیچ کاری غیرممکن نیست و با تلاش زیاد و اراده قوی به هر چه بخواهی می‌رسی. لیونل مسی هم اسطورهش مارادونا و پله بوده و امروز خود او به اسطوره فوتبال خیلی هایت بدیل شده است.

برتر فوتبال نوجوانان مناطق و لیگ برتر کشور بازی کرده‌ام.

● عضو چه تیم‌هایی بوده‌ای؟

در لیگ رده سنی پانزده سال، عضو تیم ذوب آهن مشهد بودم و الان دو سالی است در لیگ امید عضو باشگاه رایبا مشهد هستم.

● مشوقت برای ورزش فوتبال چه کسی بوده است؟

اول از همه پدر و مادرم که با حمایت‌های مادی و معنوی خود همراهم بودند و مربی ام آقای روح!... نظری که با تشویق‌ها و تمرینات ویژه‌ای که داشتند، من را برای حضور در عرصه‌های برتر فوتبال آماده کردند.

حسین برادران فرا فوتبال را از کودکی در کوچه پس کوچه‌های محله امیریه شروع کرد و خیلی زود با پیوستن به یک آکادمی فوتبال، این ورزش را به صورت حرفه‌ای ادامه داد. البرز کریمی مثل خیلی از بچه‌ها آرزوی فوتبالیست شدن داشته و برای رسیدن به آرزویش به هر دری زده است. او حالا در هفده سالگی در لیگ نوجوانان کشور می‌درخشد. مربیان‌ش از او به عنوان مهاجمی یاد می‌کنند که می‌تواند دروازه هر دروازه بانی را فرو ببرد.

● فوتبال حرفه‌ای را از کجا شروع کردی؟

از کودکی به ورزش فوتبال علاقه زیادی داشتم و از هفت سالگی با ثبت نام در آکادمی فوتبال «خلیج فارس» این ورزش را به صورت حرفه‌ای آغاز کردم و با هر مشکل و سختی‌ای این مسیر را رها نکردم.

● در چه پستی فوتبال بازی می‌کنی؟

همه بازیکنان در سن کم، پست‌های مختلفی را تجربه می‌کنند. من هم همین مسیر را رفتم تا به توصیه مربیان توان اصلی خودم را در پست مهاجم بیابم.

● در کدام میدان‌های ورزشی فوتبال حضور داشته‌ای؟

از چهارده سالگی در فوتبال لیگ ۲ و ۱ مشهد و از پانزده سالگی تا امروز نیز در مسابقات لیگ





در انتهای کوچه شهید نوذری ۱، یکی از مخازن نهال فضای سبز منطقه ۱۲ قرار گرفته است. این مجموعه بیش از پانصد اصله نهال چنار، صنوبر و سرو سه تا پنج ساله را در خود جای داده است که برای کاشت در فضاهای سبز شهری منتقل می‌شود.



مجمع مسکونی بزرگ فرهنگ پانزده سال قبل در ابتدای کوچه ساخته شد. این مجتمع که با نام امیرالمؤمنین (ع) هم شناخته می‌شود دارای بیش از ششصد واحد مسکونی است.



عکس: مصطفی بهشتی/شهرآرا

کوچه پر جمعیت محله

بهشتی‌اکوچه شهید نوذری یک، مسیری فرعی در محله صادقیه است که به صادقیه ۳۲ می‌رسد. ابتدا و انتهای این مسیر تقریباً هیچ شباهتی به هم ندارد. ورودی تا نیمه‌های این معبر پر از مجتمع‌های مسکونی پرتراکم است در حالی که انتهای آن به زمین‌های بایر می‌رسد. با توجه به ساخت پر شمار مجتمع‌ها در صادقیه ۳۲، این مسیر پر جمعیت‌ترین معبر محله صادقیه نیز به شمار می‌رود که امکانات رفاهی مطلوبی را در خود جای داده است.

شهید نوذری ۱ محله صادقیه



بوستان افاقیا فضای سبزی است که هم‌زمان با اولین ساخت و سازها و حدود دو دهه قبل‌تر در این مسیر پا گرفت. این بوستان ۷ هزار مترمربعی معمولاً در تمام طول روز پررفت و آمد است و پاتوق اهالی این کوچه.



وجود زمین‌های بایر وسیع در طول این کوچه سبب شده است برخی شهروندان راحت طلب، نخاله‌های ساختمانی را در این محدوده تخلیه کنند که حالا این موضوع، سبب آلودگی‌های محله و آزار و اذیت ساکنان شده است.

سالن چند منظوره مدیریت بحران شهید آراسته یک دهه قبل‌تر در کوچه شهید نوذری یک ساخته شد. این مجموعه علاوه بر کاربری یاد شده، سالن ورزشی مجهزی در اختیار دارد که برای ورزش‌های توپی استفاده می‌شود.